

سرمقاله
میان فریاد و سکوت؛ لبه تیغ روزنامه‌نگاری
ادامه از صفحه یک
«شرایط حساس» یعنی شرایطی که هر واژه‌ای می‌تواند به بحران دامن بزند، هر افشاگری‌ی می‌تواند «امنیت ملی» را مخدوش کند، و هر نقدی می‌تواند «آب به آسیاب دشمن» ریختن تعبیر شود. در چنین بزرنگاهی، فضای تنفس حقیقت به‌شدت محدود می‌شود و حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگاران، برخلاف میل باطنی‌شان، به حاشیه سکوت پناه می‌برند. اینجا دیگر بحث انتخاب میان خوب و بد نیست؛ بحث انتخاب میان بد و بدتر است.
حال تصور کنید این وضعیت برای یک رسانه دولتی یا حاکمیتی چگونه خواهد بود. رسانه‌ای که بودجه و خط مشی‌اش به ساختار قدرت گره خورده، در این «شرایط حساس»، بیش از هر رسانه دیگری مجبور به سکوت می‌شود. در بحبوحه رویدادهایی که افکار عمومی تشنه دانستن است، این رسانه ناچار می‌شود برای «حفظ مصالح» از کنار مسائل بگذرد، تحلیل‌هایش را سانسور کند و با روایت‌های تصنع‌ونیمه، مخاطب را سرگرم نگاه دارد. غافل از اینکه سکوت، امن‌ترین گزینه نیست؛ بلکه خاموش‌ترین سم است. چرا که مردم، این خلأ آگاهی را نه با سکوت، که با مراجعه به منابع دیگر پر می‌کنند؛ منابعی که شاید نه دغدغه مصلحت دارند و نه تعهد به حقیقت.
نتیجه این فرایند، فرسایش تدریجی و خاموش «اعتماد» است؛ سرمایه‌ای که رسانه‌ای دولتی، سال‌ها برای ساختن آن هزینه کرده، اما در «شرایط حساس کنونی» با هر سکوت مصلحتی، خشت به خشت فرو می‌ریزد. وقتی رسانه از بیان مسائل اصلی بازمی‌ماند، مخاطب آن را دیگر نه چشم جامعه، که آیینهای دفرمه از اراده قدرت می‌بیند. آنگاه داستان غم‌انگیزی رقم می‌خورد: رسانه‌ای که برای آگاهی‌بخشی تأسیس شده، به ابزاری برای بی‌اعتبار کردن خود تبدیل می‌شود. شکافی که بین رسانه و مردم شکل می‌گیرد، نه یکباره، که قطره‌قطره جان می‌گیرد؛ درست مانند همان اعتمادی که روزی روزگاری قطره‌قطره در دل‌ها ایناتشه شده بود.
پس شاید بزرگ‌ترین بحران روزنامه‌نگاری در این برهه، نه فقدان آزادی بیان، که بحران معنا باشد. روزنامه‌نگاری که نتواند میان «تخریب» و «بلندگویی» راه سومی بیابد، و رسانه‌ای که در «شرایط حساس» به سکوت پناه ببرد، هر دو محکوم به شکست در مهم‌ترین رسالت خودند: حقیقت‌جویی بدون هراس و خدمت به آگاهی عمومی، نه قدرت و نه پزواک‌های مخرب آن.

خبر
ایران باید در جمع ۱۰ کشور برتر هوش مصنوعی قرار گیرد
معاون اول رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه فناوری‌های نوپهروز و هوش مصنوعی دیگر یک انتخاب نیست، گفت: ایران باید برای قرار گرفتن در جمع ۱۰ کشور برتر جهان در حوزه هوش مصنوعی برنامه‌ریزی کند و تحقق این هدف نیز مستلزم آغاز آموزش این‌فناوری از مدارس و تربیت دانش‌آموزان خلاق، پژوهشگر و مسئولیت‌پذیر از سال‌های نخست تحصیل است.
به گزارش ایسنا، محمدرضا عارف در اختتامیه سی‌ونهمین اجلاس سراسری رؤسای آموزش و پرورش که با حضور وزیر آموزش و پرورش و مدیران و معاونان ۳۱ استان به‌صورت ریخت‌برگزار شد، با بیان اینکه معلمان از تأثیرگذارترین اقشار در ساختن آینده کشور هستند، گفت: تمدن چند هزار ساله ایرانی موهون نقش‌آفرینی معلمان این سرزمین در طول تاریخ است. وی با گرامیداشت یاد شهدای مدرسه میناب، اظهار کرد: فاجعه مدرسه میناب شاید مهم‌ترین دلیل شکست آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ رمضان بود. این حادثه حتی با هیچ معیار ظالمانه و جنگلی نیز قابل توجیه نیست. دشمن برای این جانیات خود هیچ توجیهی نداشت و سکوت مدعیان حقوق بشر در برابر جنایات رژیم جمهوریستنی و آمریکا در غزه و ایران، رسوایی ماندگاری برای تمدن غرب به‌جا گذاشت.
معاون اول رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه علم، آموزش و تربیت با یخشنامه و دستور پیش نمی‌رود، گفت: سطح علمی دانش‌آموزان صرفاً با دستور وزیر آموزش و پرورش ارتقا نمی‌یابد و برای دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی، به همفکری، رایزنی و جدل علمی نیاز داریم. عارف با تأکید بر اینکه تربیت، پایه آموزش است، افزود: بهترین ساعات عمر دانش‌آموز در اختیار معلم قرار دارد و به همین دلیل، معلمان مسئولیت قصایی بر عهده دارند. اگر میدان تعلیم و تربیت عملکرد مناسبی نداشته باشد، در سایر حوزه‌های اجتماعی نیز مشکلات کمتری خواهیم داشت و پدیده‌هایی مانند گران‌فروشی، کم‌فروشی و احتکار کاهش خواهد یافت.

سرمقاله
میان فریاد و سکوت؛ لبه تیغ روزنامه‌نگاری
ادامه از صفحه یک
«شرایط حساس» یعنی شرایطی که هر واژه‌ای می‌تواند به بحران دامن بزند، هر افشاگری‌ی می‌تواند «امنیت ملی» را مخدوش کند، و هر نقدی می‌تواند «آب به آسیاب دشمن» ریختن تعبیر شود. در چنین بزرنگاهی، فضای تنفس حقیقت به‌شدت محدود می‌شود و حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگاران، برخلاف میل باطنی‌شان، به حاشیه سکوت پناه می‌برند. اینجا دیگر بحث انتخاب میان خوب و بد نیست؛ بحث انتخاب میان بد و بدتر است.
حال تصور کنید این وضعیت برای یک رسانه دولتی یا حاکمیتی چگونه خواهد بود. رسانه‌ای که بودجه و خط مشی‌اش به ساختار قدرت گره خورده، در این «شرایط حساس»، بیش از هر رسانه دیگری مجبور به سکوت می‌شود. در بحبوحه رویدادهایی که افکار عمومی تشنه دانستن است، این رسانه ناچار می‌شود برای «حفظ مصالح» از کنار مسائل بگذرد، تحلیل‌هایش را سانسور کند و با روایت‌های تصنع‌ونیمه، مخاطب را سرگرم نگاه دارد. غافل از اینکه سکوت، امن‌ترین گزینه نیست؛ بلکه خاموش‌ترین سم است. چرا که مردم، این خلأ آگاهی را نه با سکوت، که با مراجعه به منابع دیگر پر می‌کنند؛ منابعی که شاید نه دغدغه مصلحت دارند و نه تعهد به حقیقت.
نتیجه این فرایند، فرسایش تدریجی و خاموش «اعتماد» است؛ سرمایه‌ای که رسانه‌ای دولتی، سال‌ها برای ساختن آن هزینه کرده، اما در «شرایط حساس کنونی» با هر سکوت مصلحتی، خشت به خشت فرو می‌ریزد. وقتی رسانه از بیان مسائل اصلی بازمی‌ماند، مخاطب آن را دیگر نه چشم جامعه، که آیینهای دفرمه از اراده قدرت می‌بیند. آنگاه داستان غم‌انگیزی رقم می‌خورد: رسانه‌ای که برای آگاهی‌بخشی تأسیس شده، به ابزاری برای بی‌اعتبار کردن خود تبدیل می‌شود. شکافی که بین رسانه و مردم شکل می‌گیرد، نه یکباره، که قطره‌قطره جان می‌گیرد؛ درست مانند همان اعتمادی که روزی روزگاری قطره‌قطره در دل‌ها ایناتشه شده بود.
پس شاید بزرگ‌ترین بحران روزنامه‌نگاری در این برهه، نه فقدان آزادی بیان، که بحران معنا باشد. روزنامه‌نگاری که نتواند میان «تخریب» و «بلندگویی» راه سومی بیابد، و رسانه‌ای که در «شرایط حساس» به سکوت پناه ببرد، هر دو محکوم به شکست در مهم‌ترین رسالت خودند: حقیقت‌جویی بدون هراس و خدمت به آگاهی عمومی، نه قدرت و نه پزواک‌های مخرب آن.

سرمقاله
میان فریاد و سکوت؛ لبه تیغ روزنامه‌نگاری
ادامه از صفحه یک
«شرایط حساس» یعنی شرایطی که هر واژه‌ای می‌تواند به بحران دامن بزند، هر افشاگری‌ی می‌تواند «امنیت ملی» را مخدوش کند، و هر نقدی می‌تواند «آب به آسیاب دشمن» ریختن تعبیر شود. در چنین بزرنگاهی، فضای تنفس حقیقت به‌شدت محدود می‌شود و حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگاران، برخلاف میل باطنی‌شان، به حاشیه سکوت پناه می‌برند. اینجا دیگر بحث انتخاب میان خوب و بد نیست؛ بحث انتخاب میان بد و بدتر است.
حال تصور کنید این وضعیت برای یک رسانه دولتی یا حاکمیتی چگونه خواهد بود. رسانه‌ای که بودجه و خط مشی‌اش به ساختار قدرت گره خورده، در این «شرایط حساس»، بیش از هر رسانه دیگری مجبور به سکوت می‌شود. در بحبوحه رویدادهایی که افکار عمومی تشنه دانستن است، این رسانه ناچار می‌شود برای «حفظ مصالح» از کنار مسائل بگذرد، تحلیل‌هایش را سانسور کند و با روایت‌های تصنع‌ونیمه، مخاطب را سرگرم نگاه دارد. غافل از اینکه سکوت، امن‌ترین گزینه نیست؛ بلکه خاموش‌ترین سم است. چرا که مردم، این خلأ آگاهی را نه با سکوت، که با مراجعه به منابع دیگر پر می‌کنند؛ منابعی که شاید نه دغدغه مصلحت دارند و نه تعهد به حقیقت.
نتیجه این فرایند، فرسایش تدریجی و خاموش «اعتماد» است؛ سرمایه‌ای که رسانه‌ای دولتی، سال‌ها برای ساختن آن هزینه کرده، اما در «شرایط حساس کنونی» با هر سکوت مصلحتی، خشت به خشت فرو می‌ریزد. وقتی رسانه از بیان مسائل اصلی بازمی‌ماند، مخاطب آن را دیگر نه چشم جامعه، که آیینهای دفرمه از اراده قدرت می‌بیند. آنگاه داستان غم‌انگیزی رقم می‌خورد: رسانه‌ای که برای آگاهی‌بخشی تأسیس شده، به ابزاری برای بی‌اعتبار کردن خود تبدیل می‌شود. شکافی که بین رسانه و مردم شکل می‌گیرد، نه یکباره، که قطره‌قطره جان می‌گیرد؛ درست مانند همان اعتمادی که روزی روزگاری قطره‌قطره در دل‌ها ایناتشه شده بود.
پس شاید بزرگ‌ترین بحران روزنامه‌نگاری در این برهه، نه فقدان آزادی بیان، که بحران معنا باشد. روزنامه‌نگاری که نتواند میان «تخریب» و «بلندگویی» راه سومی بیابد، و رسانه‌ای که در «شرایط حساس» به سکوت پناه ببرد، هر دو محکوم به شکست در مهم‌ترین رسالت خودند: حقیقت‌جویی بدون هراس و خدمت به آگاهی عمومی، نه قدرت و نه پزواک‌های مخرب آن.

خبر
آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای به شماره صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت اسناد و املاک شهرستان شوش تصرفات مالکانه و بلا مشروطی عیادی محرز گردیده است ، لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت در روزنامه کثیر الانشار به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی فوق اعتراضی نداشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ساعت اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شوش تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی ، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.
ششصدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۱۶۰۰۶ مترمربع از قریه کندال پلاک ۳۵۶ - اصلی بنام یحیی معصوم زاده به کد ملی ۶۴۰۹۵۳۰۳۸۲ و مورد مالکیت قربان معصوم زاده
تاریخ انتشار در دو نوبت در روزنامه کثیر الانشار: اولی در مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ و دومین چاپ در مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
تاریخ انتشار در دو نوبت در روزنامه محلی: اولی ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ و دومین چاپ در مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۱۸
شاسه: ۲۳۴۱۱۳۹۵
خلیل رضایی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شوش ۳۳۲۰

رئیس‌جمهوری آگاهی از داده‌های مکانی، هویتی و مالی را پیش نیاز اساسی برای تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌های اجرایی دانست و اظهار کرد: تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی و دستگاه‌های اجرایی و خدماتی باید دارای کد نشانه‌گذاری دقیق باشند و دریافت هرگونه خدمت در کشور، منوط به ارائه کد پستی و کد ملی خواهد شد.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در جلسه «بررسی پروژه ملی نظام نشانه‌گذاری مکان‌محور» با تأکید بر شتاب‌بخشی تکمیل نظام نشانه‌گذاری مکان‌محور (GNAF)، اظهار کرد: برای سرعت‌بخشی به تکمیل این پروژه، نیازمند هماهنگی و تعامل تمامی دستگاه‌های ذیربط و ارتباطات بخشی و فرابخشی هستیم؛ ضرورت دارد تمامی مدیران در این فرایند نهایت همکاری و هم‌افزایی را داشته باشند چنانچه مدیری در انجام مأموریت‌های محوله در این خصوص همکاری لازم را به عمل نیاورد، مشمول جریمه خواهد شد.

رئیس‌جمهوری با تأکید بر برنامه‌ریزی عملیاتی در اجرا و تکمیل این پروژه ملی، اظهار کرد: بر اساس برنامه‌ریزی‌های اولیه، این اقدام باید از سال ۱۳۷۶ آغاز و طی یک سال به پایان می‌رسید، اما بنا به دلیلی، نسبت به تکمیل

بررسی واقعیت حقوقی تفاهم‌نامه اسلام‌آباد

۶۰ روزی که هرگز آغاز نشد

با گذشت ۶۰ روز از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا، در حالی برخی رسانه‌های غربی از پایان مهلت این تفاهم‌نامه و آتش‌بس میان دو کشور سخن می‌گویند که بررسی مفاد این سند نشان می‌دهد مهلت ۶۰ روزه نه مربوط به آتش‌بس، بلکه ناظر بر مذاکرات برای دستیابی به توافق نهایی بوده و این مذاکرات اساساً آغاز نشده است؛ موضوعی که سخنگوی وزارت امور خارجه نیز بر آن تأکید کرده است.



مهلت ۶۰ روزه مذاکرات ایران و آمریکا تنها یک ساز و کار باقی مانده روی کاغذ است که هرگز آغاز نشده تا مهلت آن به پایان برسد

۶۰ روزه هم دیگر موضوعیت ندارد.»

هر چند هیئت‌های مذاکره‌کننده ایرانی در دو نوبت (یکی قبل از نهایی شدن سند تفاهم‌نامه در اسلام‌آباد) و دیگری در هتل بورگن‌اشتوک دریاچه لوسرن سوئیس با یکدیگر دیدار کردند، اما این دو دیدار صرفاً در راستای رایزنی برای پایان جنگ بود. هر چند این تلقی وجود

داشت که مذاکرات بورگن اشتوک به آغاز ماراتن ۶۰ روزه برای مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم‌ها منجر شود، اما ناتوانی آمریکا در اجرای تعهداتش در ۴ بند اصلی تفاهم‌نامه باعث شد که این مذاکرات هرگز شکل نگیرد. مهلت ۶۰ روزه مذاکرات ایران و آمریکا تنها یک ساز و کار باقی مانده روی کاغذ است که هرگز آغاز نشده تا مهلت آن به پایان برسد و حتی اگر زمانی، شرایط بازگشت به تعهدات تفاهم‌نامه فراهم شود، مهلت آن در مجموع می‌توان گفت که برآورده‌ای رسانه‌ای

از پایان آتش‌بس ۶۰ روزه میان ایران و آمریکا و حتی جبهه‌ای در مورد بی‌میلی آمریکا به تمدید آن یا نزدیک شدن به توافق جدید برای تمدید، اساساً بی‌منا هستند. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، هر چند در حال حاضر اجرایی‌نشده، اما می‌تواند به مبنای بازگشت طرف‌ها به اسلامی ایران طرفی نیست که تحت فشار، اولتیماتوم و مهلت زمانی سیاست‌های خود را تنظیم کند... مذاکره هرگز شروع نشد، به این دلیل که آمریکا تنها چند هفته پس از امضای یادداشت تفاهم در ۲۸ خرداد، دست به نقض فاحش و گسترده متن آن زد و لذا اساساً بحث

در چارچوب شکلی و بر اساس محتوای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، هیچ مبنایی برای ارزیابی خاتمه این تفاهم‌نامه وجود ندارد. این تفاهم‌نامه محدوده زمانی برای اعتبار خود تعریف نکرده‌است و هیچ تاریخ مشخصی را برای پایان یا خاتمه مفاد آن تعیین نمی‌کند.

عباس فارسپور، مدیرکل حقوقی وزارت امور خارجه، در این مورد توضیح می‌دهد: «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را می‌توان در وضعیت کما توصیف کرد؛ بنابراین، هنوز امکان احیا و بازگرداندن آن وجود دارد.» تفسیر قرار گرفتن در حالت کما به این دلیل است که ایالات متحده آمریکا تقریباً هیچ یک از تعهدات خود را در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در شرایط فعلی رعایت نمی‌کند. در بند یک، تعهدات آمریکا و متحدانش مبنی بر خاتمه فوری و دائمی جنگ در تمامی جبهه‌ها نقض شده‌است و علاوه بر حملات گسترده ماه گذشته آمریکا به جنوب ایران، حملات اسرائیل به جنوب لبنان هم ادامه پیدا کرد. در اجرای بند ۴، ایالات متحده آمریکا از اواسط تیرماه نقض این بند را از سر گرفت و محاصره دریایی سواحل و بنادر ایران را مجدداً برقرار کرد.

این تفاهم‌نامه هیچ محدوده زمانی یا بازه مشخصی را برای پایان جنگ تعیین نکرده‌است، بلکه متعاهدین را موظف به پایان دائمی جنگ کرده‌است. در نتیجه برداشت وجود یک آتش‌بس ۶۰ روزه در این تفاهم‌نامه از بنیاد سوپرداشت تلقی می‌شود.

در برابر این نقض تعهدات ایران نیز تعهدات خود را مبنی بر بازگشایی تنگه هرمز متوقف کرده‌است. **مذاکراتی که هرگز آغاز نشد**

بر اساس بند ۱۳ تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، مذاکرات ۶۰ روزه برای رسیدن به توافق میان ایران و آمریکا، منحصراً پس از اجرای کامل و دقیق تمامی این بندها (پنجاهی ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱) آغاز می‌شد. با توجه به اینکه آمریکا از ۲۸ خرداد به جز موضوع اسقاطیه تحریم فروش نفت و محاصره دریایی، در اجرای بقیه تعهدات خود تعلل کرد، این مذاکرات هرگز آغاز نشد. اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست خبری فتهنگی خود با خبرنگاران، روز دوشنبه ۲۶ مرداد توضیح داد: «ما در متن تفاهم موضوعی تحت عنوان مهلت ۶۰ روزه نداریم. اساساً بارها ثابت شده است که جمهوری اسلامی ایران طرفی نیست که تحت فشار، اولتیماتوم و مهلت زمانی سیاست‌های خود را تنظیم کند... مذاکره هرگز شروع نشد، به این دلیل که آمریکا تنها چند هفته پس از امضای یادداشت تفاهم در ۲۸ خرداد، دست به نقض فاحش و گسترده متن آن زد و لذا اساساً بحث

درصد، پایین‌ترین سطح دوران ریاست‌جمهوری او سقوط کرده است. ۸۰ درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ برای مدت طولانی ادامه خواهد یافت و تنها حدود ۲۰ درصد آن را ارزشمند می‌دانند؛ حتی در میان جمهوری‌خواهان نیز فقط حدود نیمی چنین نظری دارند. این وضعیت برای جمهوری‌خواهان، در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، یک تهدید راهبردی است. جنگی که قرار بود نمایش قدرت آمریکا باشد، اکنون می‌تواند به پرونده‌ای درباره تورم، قیمت سوخت، هزینه زندگی و طولانی‌شدن یک جنگ خارجی تبدیل شود؛ دقیقاً حوزه‌هایی که رأی‌دهندگان آمریکایی نسبت به آنها حساس‌اند. تحلیل‌های انتخاباتی اخیر نیز از کاهش حمایت حتی در میان رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه حکایت دارد.

از این منظر، موازنه راهبردی جنگ را نمی‌توان با مقایسه صرف قدرت نظامی دو طرف سنجید. حتی اگر آمریکا در قدرت هوایی، دریایی، مالی و توان اعمال فشار اقتصادی برتری داشته باشد؛ اما ایران یک اهرم متفاوت در اختیار دارد: توان تبدیل جغرافیای هرمز

به هزینه اقتصادی و سیاسی برای قدرتی که در ظاهر بزرگ‌تر از او است. اکنون اصلی‌ترین فرصت ایران، افزایش هزینه ادامه جنگ و تقویت اهرم مذاکره و تلاش برای مدیریت تهدید ناشی از تحریم و محاصره دریایی مهلت. برای آمریکا، توان نظامی و منابع انرژی داخلی مزیت است؛ اما تهدید اصلی آن است که جنگ خارجی ور

حال تبدیل شدن به بحران داخلی است. شاید یکی از دقیق‌ترین شاخص‌های موازنه جدید نه تعداد حملات هوایی، بلکه فاصله میان روایت کاخ سفید و قیمت روی پمپ بنزین آمریکایی باشد. جنگی که قرار بود امنیت آمریکا را تضمین کند، اکنون وادارشان کرده درباره ازران کردن نفت و گاز توضیح بدهند؛

همین تغییر، نشانه‌ای مهم از هزینه شکننده‌ای است که جنگ ایران برای واشنگتن ایجاد کرده است.

پزشکیان:

دریافت هرگونه خدمت در کشور منوط به ارائه کد پستی و کد ملی می‌شود

سیاست روز

اخبار
بزرگداشت چهلّم «آقای شهید ایران»
مراسم بزرگداشت چهلمین روز تدفین «آقای شهید ایران» عصر روز سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ با حضور فرزندان رهبر شهید و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان در شبستان مصلای امام خمینی(ره) تهران آغاز شد . همچنین برنامه‌های مناسبتی در قم، مشهد و دیگر شهرها برگزار خواهد شد.
مراسم بزرگداشت چهلمین روز تدفین «آقای شهید ایران» عصر امروز در مصلای امام خمینی(ره) تهران آغاز شد و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسئولان در این مراسم حضور یافتند. این مراسم از ساعت ۱۷ امروز، سه‌شنبه ۲۷ مرداد۱۴۰۵، در شبستان مصلای امام خمینی(ره) برگزار شده است و مردم تهران برای گرامیداشت چهلمین روز تدفین «آقای شهید ایران» در این برنامه حضور پیدا کرده‌اند.
این مراسم با شعر «با تو در عهدیم تا صبح ظهور» برگزار می‌شود؛ شعاری که برای ویژه‌برنامه‌های چهلّم «آقای شهید ایران» در تهران و دیگر شهرها انتخاب شده است.
برگزاری مراسم چهلّم با سارلوز شهادت حضرت امام حسن عسکری(ع) و آغاز امامت حضرت حجت‌بن‌الحسن‌المهدی(عج) صورت گرفته‌است. بر اساس اطلاعیه دفتر رهبر انقلاب اسلامی، مراسم بزرگداشت چهلّم «آقای شهید ایران» علاوه بر تهران، در شهرهای قم و مشهد نیز برگزار خواهد شد. مراسم بزرگداشت در قم روز چهارشنبه ۲۸ مرداد، پس از اقامه نماز مغرب و عشاء در حرم حضرت فاطمه معصومه(س) برگزار می‌شود. همچنین مراسم مشهد مقدس روز پنجشنبه ۲۹ مرداد، همزمان با شب شهادت امام حسن عسکری(ع)، پس از نماز مغرب و عشاء در حرم مطهر رضوی برگزار خواهد شد.
همزمان با برنامه‌های اصلی در تهران، قم و مشهد، برنامه‌های دیگری نیز برای گرامیداشت چهلّم «آقای شهید ایران» در اماکن مقدسه، میادین و نقاط مختلف شهرهای کشور پیش‌بینی شده‌است.
بر اساس اعلام شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ویژه‌برنامه‌های بزرگداشت چهلمین روز تدفین «آقای شهید ایران» در شهرهای مختلف کشور برگزار خواهد شد و برخی برنامه‌ها نیز در تعدادی از شهرهای خارج از کشور تدارک دیده شده‌است.
حضور مردم و مسئولان در مراسم مصلای تهران، نخستین بخش از مجموعه برنامه‌هایی است که به مناسبت چهلمین روز تدفین «آقای شهید ایران» برگزار می‌شود و طی روزهای آینده در دیگر شهرهای کشور نیز ادامه خواهد داشت.

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی مطرح کرد

تأمین منابع مالی پایدار کالابرگ در دستور کار دولت است

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی تأکید کرد: تأمین مالی پایدار کالابرگ تا پایان سال در دستور کار دولت قرار دارد.

به گزارش ایسنا وحید ماجد، معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی، در جلسه علنی مجازی امروز (سه شنبه ۲۷ مرداد) مجلس در جریان بررسی عملکرد دولت در اجرای کارگزار و حمایت از معیشت مردم گفت: با توجه به اختلاف میان نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و نرخ بازار تجاری، مقرر شد مابه‌التفاوت منابع نفتی در اختیار دولت به حساب کالابرگ واریز شود. وی در ادامه اظهار کرد: در ابتدای اجرای طرح و پس از پرداخت معادل ریالی ۲.۵ میلیارد دلار با استعازه رهبر شهیدمان، برای آغاز اجرای کالابرگ در چهار ماه نخست سال، حدود ۱۰ همت نیز از محل بودجه سال ۱۴۰۵ پرداخت شد.

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی تصریح کرد: تا پایان فروردین ماه این منابع پرداخت شد و از ابتدای اردیبهشت ماه نیز مابه‌التفاوت مربوطه به حساب کالابرگ واریز می‌شد تا در اختیار اجرای این طرح قرار گیرد.

ماجد با اشاره به وضعیت تأمین منابع در چهار ماهه دوم سال، گفت: از اول اردیبهشت تا پایان مردادماه علاوه بر تأمین مالی مطالبات کشمکاران، حدود ۷۳ همت تعهد پرداخت‌نشده وجود داشت که بخشی از آن طی روزهای گذشته کارسازی شده و ان‌شاءالله تمام تعهدات تا پایان مردادماه انجام خواهد شد.

وی در ادامه به برنامه دولت برای تداوم اجرای طرح کالابرگ اشاره کرد و گفت: در روزهای گذشته جلساتی با حضور رئیس مجلس، وزیر امور اقتصادی و دارایی، آقای میدری و آقای دکتر پورمحمدی برگزار شد و در این جلسات تمهیدات لازم برای ادامه اجرای کالابرگ مورد بررسی و پیگیری قرار گرفت.